

جهان‌شهر

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

بدترین درد

مدرسه‌گردان

دردی که تا به حال

پمپئو و نیکی هیلی در کابینه جدید آمریکا جایی ندارند، از ترکیب امنیتی و سیاست‌خارجی ایالات متحده چه می‌دانیم

خالص‌سازی ترامپ



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

نسبت ایران با دولت دوم ترامپ در صورت روی کارآمدن احتمالی، موضوعی همواره داغ بود اما این اتفاق زمانی روی داد که درجه حرارت در رابطه تهران و واشنگتن به اندازه‌ای بالا رفته بود که باعث شد تبعات نتیجه انتخابات ۲۰۲۴ به اندازه کافی حس نشود.

دموکرات‌ها از سال ۲۰۲۱ تا به امروز علیه محور مقاومت و ایران شمشیر را به گونه‌ای از روی بسته‌اند که قابل تصور نیست هیچ دولتی دیگر در آمریکا بتواند سطح تنش‌ها را به میزانی بیشتر از آن ارتقا دهد. یک مسرور کوتاه از مواضع و تحرکات دموکرات‌ها به خوبی عمق بحران را نشان می‌دهد. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در سفر تیرماه ۱۴۰۱ (ژوئیه ۲۰۲۲) به سرزمین‌های اشغالی تلوحیا از احتمال مقابله نظامی سنگین با ایران و محور مقاومت خبر داد و یک سال بعد با آغاز جنگ طوفان الاقصی، از کشتار نزدیک به ۵۰ هزار نفر از مردم منطقه حمایت کرد.

اوج حمایت‌های دولت دموکرات از اقدامات ضدایرانی سه هفته قبل درامداد ۵ آبان ۱۳۹۶ (اکتبر روی داد که طی آن بین ۶۰ تا ۶۵ کشته‌ده رژیم صهیونیستی، ده‌ها موشک به سمت مواضعی در داخل خاک ایران پرتاب کردند). این عملیات با اطلاعات و کرپدوری که آمریکا در آسمان عراق در اختیار رژیم قرار داد، میسر شد. ایران که تاکنون در قالب دو عملیات «وعده صادق» و «وعده صادق ۲» به اقدامات ضدایرانی صهیونیست‌ها در سال جاری جواب داده است، تا کتید کرده به این تجاوز رژیم نیز پاسخ خواهد داد. در وضعیتی که دموکرات‌ها در سقف تنش حرکت کرده و بایدن بیش از ترامپ دست به جنایت زده است، روی کارآمدن ترامپ معنای قبلی‌ای را که تصور می‌شد، ندارد.

تا پیش از این، نسبت ایران با دولت آتی ترامپ تنها با خروج وی از برجامی که در دوره دموکرات‌ها به امضا درآمده و ترور سردار شهید سلیمانی، فرمانده سابق سپاه قدس سنجیده می‌شد، بدون آنکه توجه شود اساس دولت اواما خود یک کمپین فشار حداکثری علیه ایران در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ کلید زد و همراه با آن، جنگی منطقه‌ای در قالب تکفیری‌ها علیه مقاومت به راه انداخت. یک برآیند کلی حکایت از ضربه قابل توجه هردو حزب به منافع ملی ایران داشت. امروز اما به دلیل رویه بایدن، تردیدی نسبت به برنامه آمریکا علیه ایران و منطقه وجود ندارد و بدترین سناریو موجود در رابطه تهران و ترامپ، ادامه حرکت بایدن توسط وی است.

به نقل از برخی منابع، دموکرات‌ها به تل‌آویو قول داده بودند در صورت پیروزی در انتخابات، به شکل ریشه‌ای مشکل ایران را حل خواهند کرد؛ وعده‌ای که قطعاً واقع‌ناگنگی‌ها به «بن‌بنامی نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی ارائه شده، بر مبنای مذاکره نبوده است. ترامپ و هریس، حزب دموکرات و جمهوری‌خواه، آمریکا و رژیم صهیونیستی همه به یک برداشت مشترک در خصوص ایران رسیده‌اند که فارغ از مواجهه با هرکدام، این نوع از محاسبه باید شکسته شود. رهبران تهران پس از تجاوز هوایی ۵ آبان رژیم صهیونیستی تأکید کردند در پاسخ آتی خود، ویژگی‌هایی را مدنظر قرار خواهند داد تا محاسبات پیشین تل‌آویو در رابطه با برخورد با ایران، اصلاح شود. به شکل غیرمستقیم، این سیاست آمریکا را نیز دربرمی‌گیرد.

== **کابینه به کدام سمت است؟**

تا امروز تنها نام رئیس‌جمهور آتی آمریکا و معاونش مشخص شده است. نام این دو هم‌راه با یکدیگر در کارت‌های رأی‌گیری نوشته می‌شود؛ زیرا بر خلاف بسیاری از کشورها، در آمریکا زوج انتخاباتی در رقابت‌ها حضور می‌یابند. با بیرون آمدن نام زوج انتخاباتی «دونالد ترامپ – جی دی ونس» از صندوق‌های رأی، روزهای پس از آن به میزان بالایی بر گمانه‌زنی در خصوص ترکیب کابینه دولت بعدی متمرکز شد.

این روند اما شاهد اف‌ت و خیزهایی بوده است. درحالی‌که تارنامیابی آمریکایی «آکسیوس» اواخر هفته گذشته به نقل از منابع آگاه گزارش کرده بود مایک پمپئو، وزیر خارجه و رئیس سازمان سیا در دولت اول ترامپ یکی از گزینه‌های مطرح برای وزارت دفاع است؛ ترامپ خود شخصاً در شبکه اجتماعی خود موسوم به «تروث» تأکید کرد از پمپئو در دولتش استفاده نخواهد کرد. او در کنار نام پمپئو، به نیکی هیلی، سفیرش در سازمان ملل نیز اشاره کرد. از میان تندرهای جنگ‌طلب جمهوری‌خواه، جان پلوتون در همان دوره اول با ترامپ به مشکل خورد و حالا پمپئو و هیلی نیز منزوی شده‌اند.

با این‌حال هنوز اشخاص جنگ‌طلب زیادی در اردوگاه ترامپ حضور دارند؛ از جمله رابرت اوپرایان، مشاور امنیت ملی ترامپ که مدتی اسمش به عنوان نامزد بازگشت به این مسئولیت مطرح شده بود. انزروی برخی و باقی ماندن تعدادی دیگر در دستگاه ترامپ نشان می‌دهد ترامپ بیشتر از دیدگاه‌ها، با اشخاص به مشکل می‌خورد.

علی‌رغم مطرح بودن اسامی متعدد برای پست‌های حساس کابینه، روزنامه

آمریکایی نیویورک تایمز گزارش کرده سناتور تندرو جمهوری‌خواه، مارکو رویوبو به عنوان وزیر خارجه در دولت بعد حضور خواهد داشت. روزنامه وال استریت ژورنال و وبگاه جوش اینسایدر نیز اعلام کرده‌اند مایک ولتز، نماینده جمهوری‌خواه تندررو ایالت فلوریدا، سمت مشاور امنیت ملی را در اختیار خواهد گرفت.

چند ویژگی درباره این دو فرد دارای اهمیت است. هردو عضوی از کنگره‌اند و هر دو از ایالت فلوریدا آمده‌اند که یک پایگاه مهم برای جمهوری‌خواه است. ترامپ طی یک دهه گذشته فلوریدا را به تدریج به عنوان محل اصلی استقرار خود برگزیده است. هرچند خبرهای منتشرشده درباره نامزد‌های نهایی وزارت خارجه و مشاور امنیت ملی حکایت از قطعی بودن آنان دارد، اما به‌طور کلی در سیاست و به‌طور خاص در دستگاه ترامپ، قطعیت جایی ندارد. با این‌حال برخی با توجه به نظرات بسیار تند و ضدایرانی این دو شخص، ادعا کرده‌اند رویوکر ترامپ درباره ایران در دولت دومش همچنان تند خواهد بود. این موضوع، نکته‌ای پنهان و البته محدود به این دو نفر نیست. تقریباً تمامی گزینه‌هایی که برای عضویت در کابینه ترامپ نامشان در رسانه‌ها مطرح شده، نگاه تنندی علیه ایران دارند.

پدیده ایران‌هراسی اما در میان جمهوری‌خواهان محدود نیست و دولت‌های دموکرات نیز از سیاستمداران ضد ایرانی‌ر پر شده‌اند. به سختی می‌توان گفت مارک رویوبو از «اتنونی بلینکن» و مایک ولتز از «جیک سالیوان» تندترند. این دو در همراهی با یکدیگر و هدایت‌های رئیس سازمان سیا، غرب آسیا را در آستانه جنگ فراگیر قرار داده‌اند.

آنچه در خصوص نحوه رفتارهای آتی دولت ترامپ اهمیت دارد، انتظار است. برخی رفتارهای موجود در ایران از سوی جناح‌های سیاسی، حاوی پیام ضعف است. هرچند گرفتن آرایش مناسب در برابر دولت آتی ترامپ لازم است، اما قرار نیست دولت ایران به دنبال دولت آتی آمریکا بدود. ایران یک‌بار در دولت دوازده‌م و در جریان پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰، طعم تلخ رفتار هیجان‌زده در رابطه با طرف پیروز را چشید. دموکرات‌ها که ولع دولت‌وقت را در احیای برجام دیده بودند، آن را نشانه ضعف تلقی کرده و کوشیدند امتیازات بیشتری اخذ کنند. این درخواست‌ها تا حدی زیاده‌خواهانه بودند که احیا به‌ی محاق بردند.

== **فعالیت ایران**

درباره ترامپ دو دیدگاه در ایران پرزنگ شده است؛ یک دیدگاه می‌گوید رئیس‌جمهورمنتخب آمریکا با درس‌گرفتن از اشتباهات گذشته‌اش در رابطه با ایران، همانند دولت پیشینش با تهران سرشاخ نخواهد شد. نگاه دیگر نیز معتقد است ترامپ رفتار تندتری را در پیش می‌گیرد به ویژه آنکه دموکرات‌ها که احتمال می‌رفت با ایران نرم‌تر باشند، شیوه‌تقابل جویی را انتخاب کرده‌اند. به نظر می‌رسد هردو دیدگاه می‌توانند تجویزهای اشتباهی برای تهران در پی داشته باشند. چگونه ترامپ که با خروج از برجام به مسیر دموکرات‌ها برای پیگیری دیپلماسی با ایران پشت پا زد نتیجه‌گرفته همان مسیر دیپلماسی درست بوده است، اما در همان حال خود دموکرات‌ها را یابدن گرفته تا هریس از این مسیر خارج شده‌اند؟ مشخص است دیپلماسی مسیر ترامپ نخواهد بود؛ چه اینکه دموکرات‌ها که نماد پیگیری دیپلماسی در رابطه با ایران بودند، این کار را نکردند.

با این حال، سؤال دیگری نیز مطرح می‌شود. در شرایطی که دموکرات‌ها بدون ایجاد انشقاق در غرب، همانند کاری که ترامپ کرد، به تقابل سخت با ایران روی آوردند و منطقه را درآستانه جنگ فراگیر قرار دادند، چگونه ترامپ می‌تواند وضعیت بدتری بیافریند؟ این سوالات و موضوعات نشان می‌دهند، ترامپ



نه سیاست خود را تغییر داده و به دنبال سازش و برخورد نرم‌تر با ایران است و نه می‌تواند بیشتر از کاری که بایدن علیه تهران انجام داد، ترتیب دهد. به عبارتی دیگر، به دلیل روندی که طی دولت بایدن رخ داد، از اهمیت ویژگی‌های ترامپ و کابینه‌اش در خصوص ایران نسبت به آنچه پیش‌تر در گمانه‌زنی‌ها می‌آمد، کاسته شده است.

تهران اما در رابطه با دولت دوم ترامپ، تنها سناریوی تنش را پیش روی خود ندارد. هرگاه آمریکا روند کنونی را به زیان خود تلقی و آن را تغییر دهد، زمینه برای کاهش تنش ایجاد خواهد شد. به معنایی دیگر، حتی اگر طی ماه‌های آتی تنش‌ها در منطقه کاهش یابد، دلیل آن نه‌روی کار آمدن ترامپ، بلکه بریده شدن نفس این کشور و رژیم از دگرگیری‌ها خواهد بود. درباره رابطه دو طرف نکاتی وجود دارد:

۱- نه سیاست ترامپ و نه بالاتر از همه، نگاه کلیت مجموعه قدرت آمریکا به ایران تغییر نکرده است. از طرفی این به معنای تندتر شدن نگاه ترامپ نیست. او احتمالاً خواهد کوشید برنامه فشار حداکثری خود علیه ایران را در شکل به‌روزشده‌ای پیگیری کند. همان‌گونه که گفته می‌شود دو رکن اصلی این فشار یعنی تحریم اقتصادی و انزوا دیپلماتیک، پیگیری خواهند شد. به لحاظ اقتصادی، شاید ترامپ به جای جنگ اقتصادی قبلی که شامل حملات علیه خطوط کشتیرانی ایران نیز می‌شد، صرفاً بر تقویت ساورکارهای حقوقی تحریم تمرکز کند، بدون آنکه ابزاری قهریه برگزیند. به لحاظ دیپلماتیک ترامپ در دوره گذشته به دلیل خروج از برجام مقصر شناخته می‌شد و به همین دلیل نتوانست اجماعی علیه ایران ایجاد کند اما در شرایطی که بایدن نیز توافق هسته‌ای را احیا نکرد، او دیگر مقصر تلقی نمی‌شود.

۲- تورر سردار شهید سلیمانی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که گفته می‌شود یکی از موانع هرگونه برقراری ارتباط میان ایران و دولت ترامپ است اما این نکته یک دنباله نیز دارد. تهران پیش از تورر سردار شهید سلیمانی در دوره گذشته اساساً هرگونه مذاکره باترامپ را منتفی دانسته بود. این مسئله به ویژه پس از اتخاذ رویکرد تند از سمت دولت ترامپ علیه ایران صورت گرفت که به شروط اعلامی ۲گانه پمپئو انجامید. به نظر می‌رسد اگر دولت ترامپ بار دیگر مسیر گذشته را بنیاماید، حتی بدون وجود مسئله تورر، تهران هرگونه مذاکره با این دولت را منتفی خواهد دانست. با این حال اگر دولت وی رویکردی متفاوت‌تر در پیش گیرد، تهران دست‌کم با بخشی از مجموعه دولت ترامپ وارد معامله خواهد شد.

۳- آیا آمریکا بدون آنکه در غرب آسیا حضور داشته باشد، می‌تواند ادعای رهبری بر جهان را ادامه دهد؟ واشنگتن حتی با وجود حضور یکن در شرق آسیا، این منطقه را ترک نکرده است. اساساً یک هژمون برای آنکه بتواند بر سیطره جهانی اش ادامه دهد، باید مانع از شکل‌گیری هژمون‌های منطقه‌ای در دیگر مناطق جهان شود. با این حال نوع بازی صفر و صدی آمریکا در منطقه با ایران باعث شده تا تهران درصدد اخراج این کشور از منطقه برآید. این درحالی است که این اتفاق توسط روسیه در اروپا یا چین در شرق آسیا انجام نشده، اما نوع بازی آمریکا که به دنبال سیطره کامل بر منطقه و نابودی ایران است، تهران را وادار به اتخاذ چنین سیاستی کرده است. آشکار است اگر آمریکا قصد نداشت از حضورش در منطقه برای ایجاد خطر موجودیتی علیه ایران بهره‌گیرد، تهران کارزاری برای اخراج واشنگتن از منطقه راه نمی‌انداخت. با این‌س وجود ایران تاکنون این اخراج را محدود به حضور نظامی آمریکا کرده است.

۴- در دولت نخست ترامپ، رکنس تیلرسون، وزیر خارجه قدرتمند آمریکا که نماینده شرکت‌های نفتی در حکومت بود، با خروج

پمپئو و نیکی هیلی در کابینه جدید آمریکا جایی ندارند، از ترکیب امنیتی و سیاست‌خارجی ایالات متحده چه می‌دانیم

کشورش از برجام، توافق آب و هوایی و انتقال سفارت آمریکا به قدس مخالف بود اما برکنار شد تا این اقدامات با سرعت انجام شود. این مسئله نشان می‌دهد فارغ از نهادهای دولت عمیق، شخص رئیس‌جمهور و حلقه نزدیک مشاوران مورد اعتمادش تا چه میزان مؤثر و خوداکنایند. به نظر می‌رسد تهران با توجه به نیمه اول دولت پیشین ترامپ و حضور اشخاصی مانند تیلرسون در دولت، در صورت وجود افراد مشابه در دولت آتی، بتواند با بخشی از مجموعه این دولت دست به معامله بزند.

== **نکات**

در رابطه با کابینه آتی ترامپ نکاتی وجود دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

۱- دولت اول ترامپ برای کسب تجربه در خصوص نحوه تعامل سیاستمداران با وی، اهمیت داشت. او در دوران ریاست‌جمهوری خود با طیف متنوعی از دولتمردانش به مشکل خورد که باعث شد وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی با اختلافاتی آشکار برکنار شوند؛ هرچند وزیر دفاع نیز برکنار شد و اختلافاتی با وزیر دادگستری و سپس معاون رئیس‌جمهور وجود داشت. ترامپ با درس‌گرفتن از این وقایع، به دنبال بازطراحی تیم خود است.

۲- کابینه ترامپ شامل ذی‌نفعان خواهد بود و نمی‌توان کلیت حرکت کابینه را هماهنگ دانست. مارک رویوبو ولتز، دو عضو برجسته کنگره هستند که احتمالاً با توجه به نفوذشان در این نهاد که می‌تواند برای تأییدشان در سنا به کار آمده و در مراحل بعدی به تسریع طرح‌های دولت در کنگره منجر شود. برای این امر انتخاباتی شده‌اند. از این رو شاید حضورشان در این نهادها، با اختیارات کامل و برای پیشبرد پروژه‌های موجود در رابطه با ایران نباشد؛ هرچند آن‌ها تحت تأثیر لابی صهیونیستی زیان‌هایی برای ایران دارند.

۳- در کابینه دوم ترامپ، موضوع درس‌گرفتن از کابینه اول، انطباق با شرایط جدید و اتمام کارهای نیمه‌تمام دور نخست، مدنظرند.

۴- با روی کارآمدن ترامپ، روابط درون‌غربی و مسائل داخلی این کشور نیز در درس‌سزای می‌شوند. در دوران او شورشی دامنه‌دار پس از قتل «جورج فلوید» شهروند سیاه‌پوست آمریکایی رخ داد که ماه‌ها طول کشیده و تقریباً به جز مواردی معدود، سراسر ایالت‌ها را درگیر کرد. اگر جزّ حاکم بر دوره نخست ترامپ در زمان قتل فلوید وجود نداشت، شاید شورش‌ها گسترده نمی‌شدند. گسترش شورش و طولانی شدنش پاسخی به فشارهای دوره ترامپ علیه اقلیت‌های اجتماعی بود. در دولت بعدی هم، ترامپ به شدت تحت فشار داخلی به ویژه به لحاظ اجتماعی قرار خواهد گرفت.

همچنین تلاش‌های او به دلایلی التهابی‌تری را در درون غرب ایجاد می‌کند. نخست آنکه از نگاه وی، آمریکا زمانی دارای ابهت جهانی است که در جهان غرب به اندازه کافی برای آمریکا ارزش رهبری قائل شوند. از این رو وی برای اثبات رهبری بر غرب، اروپا را تحت فشار شدید قرار خواهد داد. دومین موضوع، هیجان‌گروه‌های نزدیک به راست افراطی در غرب از نتیجه انتخابات آمریکا و تلاطم در درون کشورهای اروپایی خواهد بود که می‌تواند این جنبه را به‌طور کلی تحت فشار قرار دهد. شاید برخی از دولت‌های اروپایی در زمان التهابات دچار ضعف شوند اما در همان موقع از پس از مدتی به سمت پاسخ‌علیه ترامپ به دلیل ایجاد هرج‌ومرج در کشورشان حرکت خواهند کرد.

۵- در آمریکا احزاب نقش مهمی دارند اما در ظاهر سیاست هویدا بوده و ساختارهای دیگری نیز در کنار آن‌ها به عنوان قطب‌های قدرت حضور دارند. در حزب دموکرات، به دلیل فعالیت شدید اعضای یهودی، این حزب به شدت تحت تأثیر مستقیم بازیگران یهودی است. به عبارتی دیگر در حزب دموکرات علاوه بر تأمین‌کنندگان مالی از میان ثروتمندان یهودی، طیف وسیعی از فعالان یهودی از رده‌های پایین تا بالای حزب وجود دارند و در کنگره و کاخ سفید نیز فعالیت می‌کنند. با این حال در حزب جمهوری‌خواه، یهودیان تنها در بخش تأمین‌کنندگان مالی حضور دارند و حزب را به لحاظ فعالان، کمتر تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو ترامپ برای تعامل با رژیم، تنها از یک‌سو تحت فشار است. با این وجود همین حامیان مالی، فعالان رده بالای حزب را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند.

۶- موفقیت لابی‌های صهیونیستی بیشتر مربوط به کنگره است که اعضای آن انتخابی‌اند. در مقابل، کاخ سفید به دلیل پیوند خوردن با نهادهای دولت عمیق، بیش از کنگره و فضای عمومی، متأثر از آن‌هاست. به همین دلیل اغلب حزب مستقر در کاخ سفید، به‌جای آنکه به محل فشار به این نهادها تبدیل‌شده، به محل اجرای فرامین این نهادها تبدیل‌شده و حتی در برابر کنگره ایستادگی می‌کند.

۷- هرچند در برخی کشورها، روابط ترامپ با رژیم صهیونیستی ویژه‌تر تلقی می‌شود اما دیگران نظر متفاوتی دارند؛ به‌خصوص در داخل آمریکا. این ایده وجود دارد که یکی از عوامل شکست دموکرات‌ها، حمایتشان از رژیم در طول یک‌سال اخیر بوده است.



شهر شراز

تجدید آگهی مناقصه عمومی ۱۰۹۴ – ۱۴۰۳

عالی‌معاملاتی باشد.

- مدت اعتبار پیشنهادها ۲ ماه از تاریخ ارائه پیشنهاد قیمت می باشد.

- **تعدیل:** هیچ‌گونه وجهی بابت تعدیل آحاد بهاء پرداخت نخواهد شد.

- هیچ‌گونه مبلغی بابت پیش پرداخت داده نخواهد شد.

- بدیهی است هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

- شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادها مستقر می‌باشد در این صورت سپرده‌ها مسترد می‌گردد.

- شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری می‌باشد.

- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.

- برنده مناقصه موظف است تا قبل از انعقاد قرارداد مدارک مثبته در خصوص ثبت‌نام در سامانه ثنا را ارائه نماید.

- آگهی و اطلاعات مربوط به مناقصه از طریق سایت https://shaffaf.shiraz.ir

قابل مشاهده می باشد.

- برنده مناقصه موظف به ثبت نام در سایت vendor.shiraz.ir می‌باشند.

- **اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه، مرکز تماس: ۱۲۵۶**

اداره کل ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری شیراز
شماره شناسه ۱۸۲۴۵۰